



مریم رجوی: رهبری زنان تضمین دموکراسی و برابری

سخنرانی در گردهمایی زنان به مناسبت روز جهانی زن

۱۳ اسفند ۱۴۰۱

روز جهانی زن را گرامی می‌داریم با پرشورترین درودها به زنان فرمانده و پیشاهنگ در خط مقدم قیام ایران و دختران شجاع و دلیر کانون‌های شورشی؛ با ادای احترام به ۸۳ زن شهید قیام؛ از اولین آن‌ها مهسا امینی تا آخرین‌شان زریبی اسماعیل‌زهی در زاهدان؛

با سلام‌های بی‌پایان به همه زنان به‌پاخاسته‌یی که هزینه انقلاب دموکراتیک ایران را با تحمل رنج و شکنجه بسیار پرداخته و می‌پردازند؛ آن‌هایی که دستگیر و شکنجه شدند یا مورد تعرض‌های رذیلانه قرار گرفتند، آن‌هایی که چشم‌هایشان نابینا شد و آن‌ها که در زیر شکنجه به شهادت رسیدند. درود بر زندانیان سیاسی، زنان مقاوم در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم آخوندی. و سلام و درود به زنان پیشتازی که نسل‌اندرا نسل در بیش از چهارده گذشته، مشعل مبارزه و مقاومت با دیکتاتوری مذهبی را در دست داشتند. آن‌ها که هزار هزار اعدام یا در زیر شکنجه شهید شدند.

آن‌ها پرچم‌داران انقلاب دموکراتیک ایران هستند. بله این است سیمای حقیقی زن ایرانی؛ جنگاور و به‌پاخاسته که زندگی خود را فدا می‌کند تا زندگی یک خلق اسیر را نجات دهد.

امروز در ابتدا باید به‌خاطر جریان زنجیره‌یی جنایت مسمومیت دختران دانش‌آموز در شهرها و نقاط مختلف ایران با آن‌ها و مادران و پدران دردمندشان همدردی کنیم و به ایستادگی و اعتراض آن‌ها در برابر رژیم جنایتکار درود بفرستیم.

این مسمومیت‌ها که از سه ماه پیش ادامه دارد، در ماهیت سازمان‌یافته و تحت فرمان این جنایت‌تردیدی باقی نگذاشته است.

بیت خامنه‌ای در حال انتقام از دختران ایران است که در قیام ماه‌های اخیر نقش تعیین‌کننده‌یی

داشتند و می‌خواهد آن‌ها را مرعوب کند.
من بار دیگر ملل متحد و به‌خصوص نهادهای ذی‌ربط مانند یونیسف و گزارشگر ویژه خشونت در مورد زنان را به تحقیقات و واکنش جدی فرامی‌خوانم.

زن ایرانی کابوس پایان‌ناپذیر خامنه‌ای

خواهران عزیز!

امسال روز جهانی زن از خیزش و قهرمانی زن ایرانی در قیام برای سرنگونی رژیم آخوندی، درخشش و اعتبار ویژه‌ی پیدا کرده است.
امسال از این نظر با تمام سال‌های گذشته متفاوت است. زیرا حقیقت بزرگی را رو آورده که آن نقش ویژه زنان در تعیین سرنوشت جامعه بشری است. یک قرن پیش زنان در پی به دست آوردن حق رأی بودند، حالا در پی تغییر جهانند.
تغییر دنیای بربریت و تبعیض به دنیای آزادی و عدالت و برابری.
اکنون در ایران انقلابی در کار است که تمام جبهه خلق در برابر رژیم آزادی‌کش و زن‌ستیز آخوندی را در برگرفته است. این‌یک خیزش سراسری است که حاکمیت کنونی و گذشته را تماماً نفی می‌کند و برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک خیز برداشته است. همان مسیری که مقاومت ایران با پیشتازی زنان بیش از ۴ دهه برای آن مبارزه کرده است.
خوشا زن شورشی و به‌پاخاسته ایرانی که با شجاعت و دلوری خود، کابوس پایان‌ناپذیر خامنه‌ای شده است.

در قیام جاری در ۲۰۴ دانشگاه در اکثر موارد دختران دانشجو جلودار و پیشرو بودند. از ۱۷۷۶ مدرسه که دانش‌آموزان آن به قیام‌ها پیوستند، ۱۱۸۶ مدرسه، دخترانه بوده است.
قیام و قهرمانی زن ایرانی، دنیایی را مسحور خود کرد.
تا دیروز نقش زنان سربدار ایران در اوین و گوهردشت، و بیش از ۱۰۰ اشکنجه‌گاه خمینی و نقش زنان تیرباران شده در سال ۱۳۶۰، یا دخترانی که در ۳۰ خرداد همان سال حتی از گفتن اسمشان به دژخیمان خودداری می‌کردند و تیرباران می‌شدند، به سکوت برگزار می‌شد.
نقش زنانی که برای نخستین بار در تاریخ ایران در یگان‌های ارتش آزادیبخش ملی ایران سازمان یافتند، عامدانه پنهان می‌ماند.
سیاست مماشات، جایی برای توجه به‌عکس فرمانده سارا آویخته از پا بر درخت در کوهستان با خنجری از پاسداران خمینی در قلبش باقی نمی‌گذاشت.

این‌ها عکس‌های دهشتناک خودسوزی سه زن مجاهد است: صدیقه و ندا که به شهادت رسیدند و مرضیه که بعد از ده‌ها عمل جراحی زنده و در همین جاست. زنانی که بعد از ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ برای مقابله با توطئه آخوندها به‌ویژه آخوندهای اصلاح‌طلب در گیومه در فرانسه، هیچ راهی جز خودسوزی نیافتند. بله اگر این چیزها سالیان در مورد زن ایرانی در سایه سنگین سکوت و مماشات فرورفته بود، اکنون خوشبختانه جهان، به آن چشم‌باز کرده است. آن‌قدر که خانم وزیر خارجه کانادا به‌درستی گفت: «ما انسانیت خود را در زنان ایران می‌بینیم»، و لوپوئن در سرمقاله‌اش نوشت: «این شورشی است که از شجاعت باورنکردنی زنان الهام گرفته است»

بله این شجاعت که می‌بینید، این شعله‌های سرکش آزادی و برابری که الهام‌بخش جهان بشری است، بسا طوفان‌ها در پی دارد.

و ما روزی را می‌بینیم که زن به‌پاخاسته ایرانی، رژیم ولایت‌فقیه را به زیرمی‌کشد.

زنان قیام‌آفرین در امتداد راه زنان پیشتاز، تفسیر تازه‌یی از زیستن را ارائه کرده‌اند. نسرین قادری از فرزندان مردم مریوان، دانشجوی دکترای فلسفه قبل از شهادت نوشت: «از مرگ نترسانید، ما آن را زیسته‌ایم».

و شماری از آن‌ها که در زیر شکنجه شهید شدند، هم‌چون عاطفه نعیمی در کرج یا آیدا رستمی، پزشک انسان‌دوست شجاعی که قیام‌کنندگان مجروح را در تهران مداوا می‌کرد.

آزادی به انقلاب نیاز دارد

بله با این جان‌فشانی‌ها، آن‌ها گفتند که آزادی به انقلاب نیاز دارد، انقلاب هزینه می‌خواهد و آن‌کس که بی‌هزینگی را ترویج می‌کند، خواهان ادامه وضع موجود است.

آن‌ها، خط خیانت‌بار اصلاح‌طلبان حکومتی را هم باطل کرده و شکست آن‌ها را نشان دادند. در این قیام زن ایرانی نه فقط به حجاب اجباری، بلکه به حکومت اجباری و دیکتاتوری هم، از هر نوع آن چه شاه و چه شیخ نه گفته است. رضاشاه روسری را به اجبار از سر زنان می‌کشید و خمینی روسری را به اجبار بر سر زنان می‌کرد. پس اصل موضوع اجبار و دیکتاتوری است که در آن انتخاب آزادانه جایی ندارد.

ولی امروز در ایران یک انقلاب دموکراتیک جریان دارد. دختران شورشی از تهران تا زاهدان گفتند که چه باحجاب چه بی‌حجاب، پیش به‌سوی انقلاب.

- آنها خواستار یک جمهوری دموکراتیک بدون ولایت و سلطنت هستند که شاخص آن آزادی و حاکمیت و رأی جمهور مردم است. آنها فریاد می‌زدند باید ارتجاع و دیکتاتوری را از ریشه برانداخت.

بله نقش کلیدی زنان برای براندازی یک استبداد مذهبی همان چیزی است که هیچ‌وقت آخوندها نمی‌خواستند.

از ۳۰ سال پیش گفته‌ایم که همین نیروی بالنده زن به‌پا خاسته است که قیام را برمی‌انگیزد. پس وای به حال آخوندها، زیرا از همان جایی خواهند خورد که هرگز فکر نمی‌کنند. یعنی از زنان و اراده سرسخت آنها برای سرنگونی رژیم زن‌ستیز آخوندی.

دعوا بر سر چیست؟

دوستان همه شما می‌دانید که وقتی زنان در مسیر مبارزه و مسئولیت‌های جدی قرار می‌گیرند، به دلایل تاریخی باید چند برابر مردان قیمت بدهند، تا بتوانند نقش شایسته خود را ایفا کنند. راستی چگونه این زنان توانسته‌اند با فرماندهی و مسئولیت‌پذیری این نبرد سهمگین را به این نقطه از پیشرفت و موفقیت برسانند.

پاسخ در یک جمله انتخاب است و انتخاب. انتخاب سختی‌های مسیر مبارزه و انتخاب فدا و پرداخت بی چشمداشت. انتخاب جنگیدن به هر قیمت.

انتخاب ارزش‌های والا و دفاع از اصول و قوانین یک نبرد عادلانه با دشمن ضدبشری. به جان خریدن شیطان سازی‌ها، اتهامات و دروغ‌ها و زخم زبان‌ها و ایستادگی در برابر حمله و هجوم دشمن.

در این سال‌ها و از جمله در همین قیام، خنده‌دار بود که حتی رسانه‌های رژیم و آخوندهای جمعه‌بازار خامنه‌ای از زنان مجاهد خلق می‌پرسیدند: چرا حجاب دارید؟

آخر خمینی و خامنه‌ای و آخوندهای فریبکار ارتجاعی و بنیادگرا در ایران، ۴۴ سال است که می‌خواهند به جامعه ایران بقبولانند که دشمن حقوق و آزادی‌های مردم، رژیم آخوندی نیست. بلکه دشمن در آمریکا یا در عراق و در قدس است. آن‌هم در حالیکه جنگ با عراق را هشت سال با شعار فتح قدس از طریق کربلا ادامه می‌دادند.

اما ما می‌گوییم دعوا بر سر آزادی و حاکمیت مردم ایران است.

و آنها می‌خواهند در یک جنگ صلیبی با مردم ایران، دعوا را دینی جلوه بدهند. به همین خاطر به مجاهدین می‌گویند منافقین. یعنی اسلامشان حقیقی و واقعی نیست، بلکه دوگانه است.

درواقع اگر ما اسلام را به آنها بسپاریم آن‌وقت به راحتی می‌توانند بگویند که مرزبندی اصلی بین

اسلام و غیراسلام و دین و مذهب و شریعت است.

ما بازهم تکرار می‌کنیم که دعوا بر سر حاکمیت و آرای جمهور ملت ایران است.

و من از تکرار آن خسته نمی‌شوم که بگویم این همان دعوا و مرزبندی اصلی است که ۴۴ سال است در تاریک‌ترین ادوار تاریخ ایران و در طولانی‌ترین و بغرنج‌ترین و پرنج و خون‌ترین مقاومت سازمان‌یافته تاریخ این میهن، بین مجاهدین و این رژیم در جریان است. همان مقاومتی که از ابتدا مسعود رجوی آن را با مرزبندی بین آزادی و ارتجاع بنیان گذاشت.

دوستان گرامی و خواهران عزیزم!

سؤالات آخوندها از زنان مجاهد منحصر به حجاب نیست. سلسله‌یی از سؤالات دیگر در پیش است که:

چرا به همسر و فرزند نمی‌پردازید و خود را وقف مبارزه کرده‌اید؟

چرا از هژمونی زنان حرف می‌زنید؟

چرا به جای زندگی عادی، تمام هستی و انرژی خود را صرف مقاومت در برابر رژیم کرده‌اید؟

جواب این سؤال‌ها کوتاه و ساده است:

-برای آزادی و انتخاب آزادانه

-برای نبرد با دیکتاتوری و سرنگونی آن.

-برای مردم ایران

-برای بچه‌ها و زن و مرد ایرانی

-برای اینکه در ایران آزاد همه ملیت‌ها از حقوق و آزادی برابر با یکدیگر و خودمختاری برخوردار باشند.

-و برای اینکه در ایران صد گل بشکفت!

تجربه مجاهدین

من همیشه گفته‌ام که مقاومت ما، به‌ویژه هزار زن مجاهدی که شورای مرکزی مجاهدین را تشکیل می‌دهند و سالیان در جاده آتش و خون راه پیموده‌اند، نه برای کسب قدرت، بلکه برای انتقال قدرت آمده‌ایم.

برای سلب قدرت و حاکمیت از دیکتاتوری و ستمگر و انتقال آن به آرای جمهور ملت.

این همان هدفی است که ارزش فدا کردن و دست کشیدن از زندگی عادی و بی‌خطر را دارد.

آن هزار زن که گفتم، هسته مرکزی رهبری جمعی قیام خلق و استراتژی هزار اشرف هستند.

زنانی که یاد گرفته‌اند ایدئولوژی «اول من» و «برای من» را به‌واقع کنار بگذارند. این فقط در جریان عمل و مبارزه با دیکتاتوری‌های شاه و شیخ امکان‌پذیر شد. مخصوصاً وقتی که دختران و زنان مجاهد هزار هزار در برابر خمینی و رژیمش به میدان آمدند. من رژه آن‌ها در تهران و فعالیت‌هایشان در کاندیداتوری و برنامه‌های انتخاباتی مسعود رجوی، که آزادی شعار اصلی او بود، را به یاد دارم.

زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها از این زنان و دختران پر شد. هزار هزار اعدام شدند. هزار هزار شکنجه شدند اما سرخم نکردند و الگوی مقاومت در تاریخ معاصر ایران شدند.

من شاهد بودم در لحظات بسیار سخت که باید بار مسئولیت‌های سنگین را در مواضع هژمونی به دوش می‌کشیدند آن‌ها چگونه با عبور از تردید و ناباوری به انتخاب جانانه می‌رسیدند و ایفای مسئولیت می‌کردند.

بله در جریان مبارزه با ارتجاع و دیکتاتوری من دیدم که ایدئولوژی جنسیت و اول من، مغلوب شد. دنیای مرسوم حسادت و رقابت درهم شکست و دنیای جدید خواهری حقیقی و پشتیبانی از هم و زنجیر شدن در یکدیگر، غالب شد.

این از زیباترین لحظات برای من و قطعاً جمع زنان است.

به جرات می‌گویم که حالا جمع آن‌ها، یکپارچه شور و عزم و اراده برای پیشروی‌های بزرگ است از سرنگونی شیخ تا برقراری آزادی و دموکراسی و آبادی و توسعه ایران، آن‌هم با مشارکت برابر زنان. هرکس کمی با این تجربه آشنا باشد، می‌داند که قدم برداشتن در این مسیر ساده نیست. برای هر گام آن باید تضاد جدی حل کرد.

این زنان رقیب یکدیگر نیستند بلکه کمک‌کار و مکمل هم هستند. قدرت خود را در تکثیر یکدیگر می‌بینند نه در حذف هم.

و این کیمیای انسانی و رهایی‌بخشی است که همه به آن نیازمندند.

این بالاترین دستاورد جمع زنان مجاهد است و در این ۴۰دهه، نسل جدیدی از زنان انقلابی را به میدان آورده است که نه تنگ‌نظری و حسادت، بلکه آشنایی از عاطفه‌ها، رابطه آن‌ها را می‌سازد و میزان فداکاری‌شان برای یکدیگر مرزی نمی‌شناسد.

در یک جمله بگویم این همان چیزی است که اعتمادهای خیانت شده و عاطفه‌های جریحه‌دار شده جامعه ایران به آن نیاز دارد.

من به چشم دیده‌ام که راهگشایی زنان در این مسیر چگونه مردان این جنبش را دگرگون کرده و به آن‌ها آموخته که از دنیای اول من و رقابت، به دنیای برادری و همبستگی و پشتیبانی یکدیگر وارد شوند و این‌چنین نسل جدیدی از مردان رها، خلق شده است.

انقلاب و آزادی در برابر ارتجاع و دیکتاتوری

خوشبختانه امروز همین منش رهایی‌بخش در میان کانون‌ها و جوانان شورشگر تکثیرشده و در قیام‌ها خود را نمایان می‌کند. آن‌ها از جسارت، تهاجم و جنگ‌آوری و خواهرانشان در این مقاومت سرمشق می‌گیرند. آن‌ها آموخته‌اند که با زنجیر شدن و کار جمعی و یگانی چگونه می‌توانند جلوی دشمن پر قدرت‌تر باشند. کما اینکه الهام‌بخش اشرف نشان‌ها در سراسر دنیا شده‌اند که در این دوران نیازمندان برای پذیرش مسئولیت‌های صدچندان درنبرد با دیکتاتوری‌های شیخ و شاه در همه صحنه‌ها حاضرند.

این‌ها که گفتم واقعیت‌های محسوس و ملموس در جبهه خلق و انقلاب و آزادی است. در جبهه مقابل که جبهه ارتجاع و دیکتاتوری است با تمام قوا و با تمام وسایل و شیطان‌سازی‌ها، هدف یک چیز بیشتر نیست: سد بستن در برابر آلترناتیو دموکراتیک. اگر دقت کرده باشید از زمانی که خیمه‌شب‌بازی اصلاح و استحاله رژیم ولایت‌فقیه کنار گذاشته شد و مردم و جوانان شورشگر گفتند که دیگر این ماجرا تمام است، انواع تلاش‌ها و حسرت موهوم برای بازگشت به گذشته بالا گرفت، برای اینکه بگویند اصلاً مردم ایران اشتباه کردند که علیه دیکتاتوری شاه قیام و آن را سرنگون کردند. منظورشان این است که این بار دیگر نباید این اشتباه را تکرار کرد و بنابراین تا اینجا به نفع خامنه‌ای و آخوندهای حاکم است. چون منطقی نیست که کسی بگوید بیایید انقلاب و قیام کنیم برای اینکه برگردیم به ارتجاع ماقبل! یک‌راهش هم این است که یک انقلاب مخملی بکنیم، حالا اگر نه با یک آخوند عمامه مخملی، لاف‌ل با یک شاه مخملی!

اما تجارب ۴۴ سال گذشته و همین شش ماهی که گذشت به روشنی نشان می‌دهد که با دستکش مخملی نمی‌توان از پس آخوندها خشن چدنی و سپاه پاسداران آن‌ها برآمد. برای همین است که می‌گوییم حق دفاع از خود، برای مردم ایران باید به رسمیت شناخته شود. کفایت به ۵ سال گذشته با ۳ قیام بزرگ نگاهی بکنیم: دی‌ماه ۹۶، آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ تا امروز. تردیدی نیست که اگر کانون‌های شورشی نبودند، صورت مسأله به کلی متفاوت می‌بود. می‌خواهم نتیجه بگیرم که باید روبه‌جلو و آینده حرکت کرد. درجا زدن در حال حاضر یا بازگشت به گذشته، نه منطقی است و نه عملی. بنابراین دعوی اصلی بر سر آزادی و سرنوشت مردم ایران است:

دعوا بر سر سرنگونی یا ادامه وضع موجود؟ انقلاب یا ارتجاع؟ قیام پیروز یا قیام خیانت شده و قربانی شده در مسلخ شاه و شیخ است؟ راستی کدام؟ پاسخ درست و قطعاً آنچه که در قیام مردم ایران و حضور تعیین‌کننده زنان محقق خواهد شد. پیروزی یک جمهوری آزاد و دموکراتیک است. بله، انقلاب دموکراتیک ایران پیروز می‌شود.

دوستان!

لازمه دموکراسی اعاده حقوق سرکوب‌شدگان و درخط مقدم، آزادی‌ها و حقوق زنان ایران است. آزادی و برابری سنگ بنای روابط عادلانه و سرچشمه توسعه حقیقی جامعه فرداست. نزدیک به ۳۶ سال پیش شورای ملی مقاومت به‌اتفاق آرا طرح آزادی‌ها و حقوق زنان را تصویب کرد. ۱۳ سال پیش هم در اسفند ۱۳۸۸ من در اجلاس «زنان پیش‌تاز تغییر دموکراتیک در ایران» در پارلمان اروپا نقطه نظرهای مقاومت ایران را در این باره مطرح کردم.

طرح آزادی‌ها و حقوق زنان

اکنون بار دیگر برای اطلاع هموطنانمان در داخل ایران، اصول و تأکیدات و چکیده مهم‌ترین مواد را که راهنمای عمل آینده ماست، یادآوری می‌کنم. واضح است که این اصول و حقوق و آزادی‌ها، نه فقط رهایی زن بلکه رهایی تاریخی مرد و زن ایرانی را باهم، مدنظر دارد.

ابتدا اصول را می‌گوییم:

اول- لغو و رفع کلیه ستم‌ها و اجبارت و تبعیض‌های رژیم ارتجاعی خمینی (شریعت آخوندی) درباره زنان ایران و پایبندی به تمامی آزادی‌ها و حقوق زنان در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و اعلامیه رفع خشونت علیه زنان مصوب مجمع عمومی ملل متحد در دسامبر ۱۹۹۳

دوم- تأکید بر تساوی کامل حقوق اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی زن و مرد و سوم- تأمین کامل حقوق تمامی زنان کشور فارغ از هر عدم‌تساوی و محدودیت بهره‌کشانه و رد هر نوع تلقی کالایی از زن

و مهم‌ترین مواد حقوق و آزادی‌های زنان در ایران آزاد فردا:

۱. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در تمامی گزینش‌ها و انتخابات
۲. حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل و حق تصدی هر مقام، منصب و شغل عمومی و دولتی،

- از جمله ریاست جمهوری (طبعاً رهبری سیاسی) و قضاوت در تمام مراجع دادرسی.
۳. حق فعالیت سیاسی و اجتماعی آزادانه، رفت‌وآمد و مسافرت بدون نیاز به اجازه دیگری.
۴. حق انتخاب آزادانه لباس و پوشش.
۵. حق استفاده بدون تبعیض از کلیه امکانات آموزشی، تحصیلی، ورزشی و هنری و حق شرکت در تمام مسابقات ورزشی و فعالیت‌های هنری.
۶. به رسمیت شناختن تشکلهای زنان و حمایت از سازمان‌یابی داوطلبانه آنان در سراسر کشور؛ در نظر گرفتن امتیازات ویژه در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اداری، فرهنگی، به خصوص در امور آموزشی، به منظور رفع نابرابری و ستم مضاعف از زنان.
۷. دریافت مزد مساوی با مردان در برابر کار مساوی؛ منح تبعیض در استخدام و به هنگام اشتغال؛ برخورداری یکسان از مزایای گوناگون از قبیل مرخصی، حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی؛ دریافت حق اولاد و تأهل و بیمه بیکاری؛ برخورداری از حقوق و تسهیلات ویژه به هنگام بارداری و زایمان و نگهداری اطفال.
۸. آزادی کامل در گزینش همسر و ازدواج که تنها با رضایت طرفین صورت می‌گیرد و در نزد مقام قانونی به ثبت می‌رسد. ازدواج قبل از رسیدن به سن قانونی ممنوع است.
- در زندگی خانوادگی هرگونه اجبار و تحمیل به زن ممنوع است.
۹. حق متساوی طلاق. طلاق در مراجع صلاحیت‌دار قضایی صورت می‌گیرد. زن و مرد در ارائه دلیل برای طلاق برابرند. نحوه سرپرستی اطفال و تأمین معیشت آنان و همچنین نحوه تسویه مالی ضمن حکم طلاق تعیین می‌شود.
۱۰. حمایت از زنان بیوه و مطلقه و اطفال تحت حضانت و سرپرستی آنها از طریق نظام تأمین اجتماعی کشور.
۱۱. رفع نابرابری‌های حقوقی در زمینه شهادت، ولایت، حضانت و ارث و ممنوعیت چندهمسری
۱۲. منح هرگونه بهره‌کشی جنسی از زن تحت هر عنوان و الغای کلیه رسوم و قوانین و مقرراتی که بر طبق آنها پدر و مادر، ولی، قیم یا دیگری دختر یا زنی را، به عنوان ازدواج یا هر عنوان دیگر، به دیگران واگذار می‌کنند.

دوستان عزیز،

به درستی می‌گویند، حقوق بشر همان حقوق زنان است. و من به آن اضافه می‌کنم که رهبری زنان تضمین دموکراسی و برابری است.

تا زمانی که امکان مشارکت زنان در رهبری سیاسی فراهم نشود، هر دستاوردی در امر برابری،

بازگشت‌پذیر است.

آری این زن ایرانی است که امروز با پیشتازی خود و دوشادوش مردان ایران زمین، ولایت‌فقیه را شکست می‌دهد و فردا آزادی و دموکراسی و برابری را تضمین می‌کند.
قیام ایران با پیشتازی زنان این حقیقت را گواهی کرد.
و قیامی که با شعله‌های صدفبار فروزان‌تر درراه است، آن را بیش از همیشه تابان و درخشان خواهد کرد. و پیام ظفر و پیروزی خواهد آورد.

چه زیباست که چون صبح، پیام ظفر آریم
گل سرخ، گل نور، ز باغ سحر آریم.
چه زیباست، چو خورشید، درافشان و درخشان
زآفاق پر از نور، جهان را خبر آریم

پیروز باشید